

## نشان شیر و خورشید و ریشه های آن در ایران

### بنفشه کهلایی



نقش شیر و خورشید بر دیوار حیاط کاخ گلستان



نشان شیر و خورشید در موزه کاخ سعدآباد

شیر و خورشید نشانی است که تا پیش از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ نماد ملی ایران بود. این نشان تلفیقی از سنن کهن ایران، عرب، ترک و مغول است. شیر و خورشید در اصل نشان ستاره بینی، خورشید در صورت فلکی اسد در منطقه البروج بوده است. در دوران حکومت سلسله های ترک، علامت شیر و خورشید از ستاره بینی وارد کارهای هنری در قلمرو اسلامی از مصر تا آسیای میانه شد. از حدود قرن دوازده میلادی سکه‌هایی با نقش شیر و خورشید می‌توان یافت. این نشان از قرن پانزده میلادی بر روی پرچم‌های ایران نقش بسته است.



سکه شیر و خورشید دوران سلجوقی

شیر و خورشید در طول تاریخ بصورت‌های مختلفی تعبیر شده است. در ابتدا تنها نشانی ستاره بینی بوده است نه مظهر حکومت. در دوران صفویه این نشان تعبیری شیعی/ایرانی پیدا می‌کند. از زمان فتحعلی شاه قاجار و همزمان با تحولات فکری و اجتماعی در آن زمان، تعبیر شیعی نشان بتدریج کمرنگ می‌شود. در این دوران است که این نشان به اشتباه به ایران قبل از اسلام نسبت داده می‌شود. این نشان پس از انقلاب ۱۳۵۷ با نشان فعلی جمهوری اسلامی جایگزین می‌شود.

### ریشه‌های نشان شیر و خورشید

حجم عظیم شواهد و متون ادبی و باستان شناسی، که احمد کسروی، مجتبی مینوی و سعید نفیسی گردآوری و بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد که نشان ستاره بینی خورشید در صورت فلکی اسد در منطقه البروج از قرن ششم هجری نقشی نمادین و رایج شد. تحقیقات مینوی، نفیسی و کسروی نشان می‌دهد که این نشان از ستاره بینی وارد فرهنگ عام، نشان‌ها و نقوش هنری شده است و از آنجا به تدریج و در حدود قرن پانزده میلادی به نقوش پرچمها وارد می‌شود.<sup>[۱]</sup>

بگفته شاپور شهبازی در ایرانیکا این نماد «تلفیقی از سنن کهن ایران و عرب و ترک و مغول بود.» [1] [2]

تحول آن را می توان به اختصار چنین تشریح کرد:

### ریشه در ستاره بینی

ستاره شناسان باستان قائل به وجود ارتباطی بین موقعیت ستارگان و پدیده‌های زمینی بودند. آنها دوازده برج آسمانی را میان هفت جسم گردان آسمانی از جمله خورشید تقسیم می‌کردند و هر یک یا دو برج را ویژه یکی از جرمها و خانه آن جرم آسمانی می‌پنداشتند. آنها برج اسد را خانه خورشید می‌دانستند. خواجه نصیر الدین توسی در منظومه خود در ستاره‌شناسی می‌نویسد: [3]

اولین از بروج با هشتم	نام آن بره و دگر کژدم
هر دو مریخ را شدند بیوت	همچو برجیس را کمان با حوت
زهره را خانه ثور و هم میزان	شمس را شیر و ماه را سرطان
تیر را خانه و شه و جوزا	مرزحل راست جدی و دلوعطا

در شعرهای شاعران ایران نیز چنین باوری را می‌توان یافت. قطران تبریزی درباره رفتن پادشاه آذربایجان بدیدن شاه گنجه چنین گفته‌است: [4]

اگر به خانه شیر آمده است شید رواست      بدانکه خانه شیداست شیر بر گردون

### [ویرایش] ریشه در سنت‌های سامی

الکساندر کرب [4] طی مطالعاتی که بر روی تمدنهای باستانی میان رودان، مصر و آناتولی انجام داده است به ارتباط نزدیک بین خورشید و شیر در باورها، اساطیر و خدایان در این تمدنها اشاره می نماید و رد ارتباط شیر و خورشید را از سنتها خاور نزدیک به ستاره بینی در میان رودان و از ستاره بینی تا نشان شیر و خورشید مرسوم در ایران ردیابی می‌کند. از نمونه‌های پیوستگی نزدیک شیر و خورشید کرب به شمش خدای خورشید بابلیان اشاره می‌کند که بصورت شیر نمایش داده می‌شده است. یا آهی بزرگ فرعون مصر «شیر فرزند خدای خورشید» نامیده می شده است. در فلسطین، سامسون پهلوان کشته شیر، خود در اصل شیری بوده است که فرزند بعل شمش خدای خورشید بوده است. [5]

بگفته کیندرمن در دانشنامه اسلام نشان شیر و خورشید در ایران بعد اسلام عمدتا برگرفته از نشان ستاره بینی، خورشید در برج اسد است. واضح است که هنر اسلامی بسیاری از سنن را بدون تغییر آشکاری از تمدنهای قبل به عاریت گرفته بود. ناممکن است که شروع چنین باوری را پیدا کرد. در دوران باستان از اشکال ستارگان برداشتها و تفسیرهایی می کردند. بابلیان طالع سلاطین را در صورت فلکی شیر می‌دیدند. آنها شیر را بعنوان سلطان حیوانات را در برجی که انقلاب تابستانی در آن بوقوع می پیوندد قرار دادند. این بعنوان نشانه غلبه خورشید بود و از همین رو است که عیسی شیر یهودا (بعنوان غلبه کننده بر مرگ) و علی شیر خدا نام داشت. [6]

### [ویرایش] در سنت‌های ایرانی

«خورشید (به صورت یک مرد) همیشه سلطنت را در ایران تداعی می کند: «تصویر بلورین خورشید» سرپرده سلطنتی داریوش سوم را مشخص می کرد؛ پرچم اشکانیان با تصویر خورشید تزیین می شد؛ بر بالای تاج سلاطین ساسانی کره‌ای قرار داشت که نماد خورشید بود. مالالاس به نامه‌ای اشاره می کند که در آن شاه ایران را «خورشید شرق» و قیصر روم را «ماه غرب» نامیده اند. شیر نیز پیوند نزدیکی با شاهنشاهی در ایران داشت: ردیفهایی از شیران تخت و لباس شاهان هخامنشی را زینت می داد؛ تاج آنتیوخوس اول شاه کوماژن (حک: ۳۴-۶۹ پیش از میلاد) با تصویر شیر تزیین شده بود؛ در نقش برجسته مراسم اعطای مقام در نقش رستم، اردشیر اول زرهی با تصویر شیر به تن دارد؛ شیر نقش تزیینی مشابهی برای عضالدوله داشته است. در برخی لهجه‌های شرق ایران، واژه شاه را شیر تلفظ می کنند.» [7]

## تأثیر سنت‌های اسلامی، ترکی و مغولی



نشان شیر و خورشید بر روی اسکناس سابق ازبکستان

بگفته شاپور شهبازی در دانشنامه ایرانیکا سنن عربی و اسلامی و ترکی و مغولی همیشه بر پیوند نمادین شیر و سلطنت تأکید می‌کردند. این سنن، جاذبه جادویی خورشید را نیز تأیید می‌کردند، و مغولها حرمت نهادن به خورشید را، بویژه در حال طلوع، را دوباره در ایران رواج دادند.<sup>[1][4]</sup> در بین اعراب شبه جزیره عرب به مانند سایر نقاطی از آسیا و اروپا که شیر در آن وجود نداشت، شیر به مانند جانوری شبه افسانه‌ای که بود که شاه حیوانات بود و تعجبی نداشت که نماد قدرت پادشاهی باشد.<sup>[4]</sup> بگفته کیندرمن در دانشنامه اسلام این جانور در فرهنگ اعراب سمبل دلیری، شجاعت و جوانمردی بود. در هنر دوره اسلامی نقش شیر پرکاربردترین و مرسوم‌ترین از میان حیوانات بود.<sup>[4]</sup> بجز معنای ستاره بینی که در نشان «شیر و خورشید» وجود داشت. در سایر کاربردها تنها جنبه‌ای تزئینی داشته و اهمیت و معنای خاصی نداشته است.<sup>[4]</sup> از فرم‌های رایج می‌توان به صورت گرد در فواره‌های الحمراء یا سرامیک‌های ایرانی قرن ۱۲ تا ۱۴ میلادی (عمدتا بعوان وسایل ریختن مایعات یا عوددان)، بصورت تنها در حال حمله و یا حمله به جانوری دیگر (برگرفته از سنت‌های ایرانی قبل از اسلام) اشاره نمود. یکی از کاربردهای شیر، استفاده بصورت نشان حکومتی مانند آنچه مملوکان مصر<sup>[5]</sup> و یا احتمالاً سلجوقیان روم (بهمراه خورشید) استفاده می‌کردند که برگرفته از نشان‌های روی سکه که خود عمدتاً برگرفته از نشان‌های طالع‌بینی و ستاره بینی و صورفلکی بوده است.<sup>[4]</sup>

## دوران سلسله‌های ترکی



نشان شیر و خورشید گورکانیان هند

در زمان خوارزمشاهیان یا سلجوقیان سکه‌هایی زده شد که بر روی آن نقش خورشید بر پشت شیرآمده بود. اولین سکه موجود با نقش شیر و خورشید به دوران پادشاهی کیخسرو از سلاجقه روم می‌رسد. ابن عبری تاریخ نگار و دانشمند در کتاب مختصر تاریخ الدول روایتی رمانتیک از این سکه ارایه می‌دهد که افسانه نجم آبادی این داستان را دور از واقعیت و صحت تاریخی می‌داند. ابن عبری می‌نویسد که غیاث الدین کیخسرو فرزند علاءالدین کیکاووس، از شاهان خاندان سلجوقیان روم، دل به شاهزاده‌ای گرجی می‌بازد. کیخسرو چنان شیفته می‌شود که به درخواست دختر گرجی برای ضرب سکه‌ای با چهره او بر آن موافقت می‌کند اما نزدیکان کیخسرو برای پاس داشت دین اسلام، روا نمی‌دانند تا چهره زنی نا مسلمان بر سکه‌ها نقش بندد. با پافشاری کیخسرو، چاره‌ای اندیشیده

می‌شود تا از این بن بست بیرون آیند. پیکره شیر بر سکه نگاشته می‌شود و بر فراز آن، خورشید که نشان از چهره زیباروی گرجی است جای می‌گیرد و بدین گونه خواسته دلبر بر آورده می‌گردد.<sup>[۸] [۲]</sup>

## اولین پرچم‌های شیر و خورشید دار

قدیمی ترین پرچم شیر و خورشید دار شناخته شده به سال ۸۲۶ هجری قمری (حدود ۱۴۲۳ میلادی) همزمان با دوره تیموریان بر می‌گردد. این پرچم در مینیاتوری از شاهنامه شمس الدین کاشانی (یک منظومه از جهانگشایی مغولان) به تصویر کشیده شده‌است. این مینیاتور که حمله مغولان به حصار شهر نیشابور را نشان می‌دهد. سربازان (مغول؟) را نشان می‌دهد که پرچمی مزین به نشان شیر و خورشید در کنار پرچمی دیگر مزین به هلال ماه حمل می‌کنند.<sup>[۱]</sup>

فواد کوپرلی<sup>[۹]</sup> که در نوشتاری که در دانشنامه ترک در مورد پرچم قبایل ترک دارد در مورد پرچم‌های دوره ایلخانان و تیموریان می‌نویسد: «در سپاه از پرچم‌هایی به رنگ‌های زرد و قرمز نیز استفاده می‌شده و روی آنها تصاویر گوناگونی از قبیل ازدها، شیر، قره قوش (نوعی عقاب) و شیروخورشید منقوش بوده است. احتمال زیاد می‌رود که تمغاهای خصوصی نیز روی پرچمها به کار می‌رفته است... در نسخه‌ای از شاهنامه استنساخ شده در قرن نهم (زمان مغولها) نگاره‌ای وجود دارد که پرچمی را با تصویر شیروخورشید در وسط نشان می‌دهد. این پرچم محققاً متعلق به ایلخانان است، زیرا آنها این نقش را روی سکه‌های خود نیز به کار می‌بردند.»

فواد کوپرلی همچنین می‌گوید:

«تصویر شیر و خورشید در سکه‌های برخی از فرمانروایان این سلسله [آق قویونلوها] و بعضی سلسله‌های دیگر ترک فقط نقشی نجومی است نه مظهر حکومت.»

با توجه به این پرچم و نمونه‌های مشابه آن در قرن نهم هجری قمری (پانزده میلادی)، مراجع معتبری مانند دانشنامه بریتانیکا و دانشنامه ایرانیکا زمان اولین مدارک موجود از استفاده شیر و خورشید در پرچم‌های ایران را این دوران می‌دانند.<sup>[۱۰] [۳]</sup>

## دوران صفوی

بگفته افسانه نجم‌آبادی در دوران صفوی نشان شیر و خورشید مظهر دو رکن جامعه بود: «حکومت و مذهب»<sup>[۱۱]</sup> مشخص است که هر چند درفش‌های مختلفی در زمان شاهان صفوی بخصوص شاهان نخستین صفوی استفاده می‌شده است، تا زمان شاه‌عباس صفوی، نشان شیر و خورشید به نشانی رایج در درفش‌های ایران بدل شده بود.<sup>[۱۲]</sup> بگفته یحیی ذکا در دوره صفوی «نشان خورشید» نشانگر نظام سال و ماه خورشیدی و «نشان شیر» در آن اشاره به امام علی، «شیر خدا» برگرفته از عبارت مشهور «اسدالله الغالب» است که در بعضی از نشانها این جمله در زیر نشان شیر و خورشید به چشم می‌خورد و شمشیر در دست شیر نیز ذوالفقار شمشیر مشهور علی ابن ابیطالب امام اول شیعیان است.<sup>[۱۳]</sup>

تفسیر صفویان از این نشان بر مبنای ترکیبی از اسطوره‌ها بخصوص شاهنامه فردوسی، داستانه‌های پیامبر مسلمانان و منابع اسلامی بود. شاهان صفوی برای خود دو نقش قائل بودند: شاه و مرد مقدس. این تفسیر دوگانه از نقش شاه وابسته به شجره‌شناسی بود که در آن زمان برای شاهان ایران قائل بودند. دو شخص نقشی کلیدی در این میان داشتند. جمشید شاه اسطوره‌ای ایران به عنوان بنیانگذار شاهنشاهی در اسطوره‌های ایرانی و علی، امام اول شیعیان. در این پندار، خورشید سمبل جمشید و شیر سمبل حضرت علی بود.<sup>[۱۴]</sup> شاپور شهبازی به نقش کلیدی شاهنامه فردوسی در جهان بینی صفویان اشاره می‌نماید. او می‌نویسد که بکارگیری شیر و خورشید توسط صفویان می‌تواند برگرفته از شعرهایی از شاهنامه باشد که به خورشید ایرانیان در مقابل ماه تورانیان و یا سزار روم ماه غرب و شاه ایران خورشید شرق اشاره می‌کند. از آنجایی که درفش عثمانی‌ها به عنوان حاکمان سرزمین روم در آن زمان و به عنوان رقیب صفویان هلال ماه بود. صفویان، با الهام از این شعر شاهنامه نشان شیر و خورشید را بعنوان نشان ملی خود برگزیدند.<sup>[۱۳]</sup>

بگفته نجم‌آبادی خورشید علاوه بر استعاره بر جمشید، دو معنای استعاره‌ای دیگر نیز برای صفویان داشته‌است. مفهوم زمان بر مبنای گاهشماری خورشیدی که متمایز از گاهشماری قمری عربی-اسلامی بود. همچنین معنای ستاره‌بینی و دخالت کیهان در تقدیر و تعبیری که ستاره‌بینی از حالت

نجومی شیر در صورت فلکی خورشید (اسد) داشت. صورت فلکی شیر نیز خوش یمن ترین جایگاه خورشید بوده است. بنابراین نشان شیر و خورشید دو جفت آسمانی و زمینی را به هم پیوند می‌داد، شاهنشاه و مردمقدس (جمشید و علی)، که به توسط نشان کیهانی خورشید در برج شیر به هم پیوند داده شده بودند.<sup>[۱۵]</sup>

در جستجوی یافتن تعبیر صفویان از نشان شیر و خورشید، شاپور شهبازی چنین تحلیل می‌نماید که صفویان شیر را سمبل علی، امام اول شیعیان، می‌دانستند و خورشید سمبل انوار الهی که همان تعبیر یافته مفهوم باستانی «فر دین» بود. باز معرفی مفهوم فر ایزدی توسط صفویان برای توجیه و مشروعیت بخشی به حکمرانی صفویان بود. آنها چنین مشروعیتی را با نسبت دادن فر ایزدی به علی و از طریق نسبت دادن خود به امام چهارم شیعیان و از طریق مادر امام چهارم به شاهان ساسانی بوجود آورده بودند.<sup>[۱۳]</sup>

## [ویرایش] دوران افشار و زندیه



مهر شاهنشاهی نادرشاه افشار<sup>[۱۴]</sup>

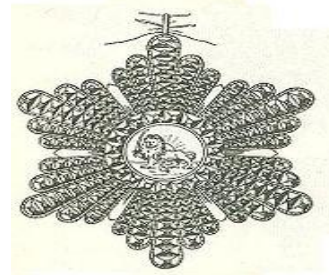
مهر شاهنشاهی نادرشاه در سال ۱۷۴۶ منقش به شیر و خورشید بود. نشان همچنین مزین به عبار «الملک الله» بود.<sup>[۱۴]</sup> دو شمشیر آب طلای متعلق به کریم‌خان زند دارای نشان نجومی شیر است که نشانگر نشان ستاره بین شیر در برج اسد دارد. از دیگر نمونه‌های مربوط به این دوران می‌توان به نقش شیر و خورشید بر روی سنگ قبر یک سرباز زند اشاره نمود.<sup>[۱۴]</sup>

## دوران قاجار

این نقاشی که بسال ۱۶-۱۸۱۵ نقاشی شده است، زمانی قصر عباس میرزا ولی عهد فتحعلی شاه در تبریز را تزیین می‌نموده است. این تصویر صحنه پیروزی ایرانیان بر روسها در نبرد سلطان‌آباد در ۱۳ فوریه ۱۸۱۳ و در خلال جنگهای ایران و روس ترسیم می‌کند. لشکر ایران در این نبرد درفشی با نشان شیر و خورشید حمل می‌نمایند و شیر در این تصویر شمشیری در دست دارد.<sup>[۱۷]</sup>

نشان زرین شیر و خورشید که در حدود ۱۹۰۰ میلادی به عنوان نشان شجاعت به افراد قشون ایران اعطا می‌شد.

قدیمی‌ترین نشان شیر و خورشید شناخته‌شده، سکه ای است که بمناسبت تاجگذاری آغامحمدخان بسال ۱۷۹۶ ضرب شده است. در این سکه در زیر شکم شیر علی، امام شیعیان ذکر شده است (یا علی) و در بالای نشان شاه وقت خوانده شده است (یا محمد). این سکه می‌تواند بیانگر آن باشد که هنوز در این زمان شیر به مذهب و خورشید استعاره‌ای از شاه ایران است (ایرانیت و اسلامیت حکومت).<sup>[۱۸]</sup> در دوران قاجار این نشان کاربردی گسترده داشته است و از علم‌های عزاداری ماه محرم تا سندهای ازدواج یهودیان ایران (کتوباس) از این نشان استفاده می‌شده است.<sup>[۲۰]</sup>



نشان نظامی شیر و خورشید، درجه سه.

این نقش در اوایل دوره قاجار به شکلی کاملاً ناهمسان روی سکه‌ها، نشانها و پرچمها ظاهر شد. فتحعلی شاه قاجار به تقلید از نشان لژیون دونور فرانسه، نشان شیر و خورشید ایرانی را در ۱۲۲۲-۱۲۲۵ پدید آورد تا به دیپلماتها و مقامات اروپایی اعطا کند. به این ترتیب ایران دارای پرچمی رسمی با نشان شیر و خورشید شد. بدین سان است که یک قرن بعد نویسنده‌ای اروپایی می‌نویسد: «ایران امروزه به سرزمین شیر و خورشید معروف است».<sup>[۱]</sup>

گاسپار دروویل که در ۱۸۱۲-۱۸۱۳ در ارتش ایران خدمت کرده بود، گزارش می‌دهد که پرچمها و نشان‌های ایرانیان دارای نشان زرهی کشور، یعنی یک شیر خوابیده و خورشید در حال طلوع همراه با عبارت سلطان بن سلطان فتحعلی شاه قاجار است. لویی دوپو گزارش می‌دهد که محمدشاه قاجار (جانشین فتحعلی شاه) دو پرچم داشته‌است: «یکی با نقش شمشیر علی، که دو لبه‌است» و دیگری «با نقش یک شیر خوابیده و خورشیدی که از پشت آن طلوع می‌کند». پرچم دوم پرچم اصلی کشور بود.<sup>[۱]</sup> دروویل تصاویر جالبی از پرچم ایران آورده‌است. در یکی از این تصاویر شیر با شمشیری در دست تصویر شده‌است. بگفته شاپور شهبازی این نخستین باری است که با شیر شمشیر در دست روبه رو می‌شویم؛ نمادی که از عصر محمدشاه قاجار به بعد به نشان متعارف ملی ایران تبدیل شد. گویا از اواخر دوران فتحعلی شاه به تدریج دو پرچم شیر و خورشید و ذوالفقار علی با هم تلفیق می‌شود و شیر که مظهر علی بوده‌است شمشیر دریافت می‌کند.<sup>[۱]</sup>

تغییر دیگری که در زمان سلطنت فتحعلی شاه در درفش و علامت دولت ایران رخ داد، در وضع تصویر شیر بود، بدین معنی که قبل از اواسط سلطنت فتحعلی شاه، همیشه شیری که در سکه‌ها و درفش‌های ایران نقش می‌گردید، شیر ایرانی بود، زیرا «شیرهای ایرانی چه نر و چه ماده، بی یال بوده‌اند نه همچون شیرهای آفریقا که نرهایشان یالدار و ماده شان بی یالست» از این زمان با تأثیر گرفتن از اروپاییان تصویر شیر بر اساس شیرهای نر آفریقایی که دارای یال بودند ترسیم می‌شود.<sup>[۲۱]</sup> افسانه نجم‌آبادی تغییرات نشان شیر خورشید از زمان فتحعلی‌شاه را متأثر از تغییراتی می‌داند که در عرصه اجتماعی سیاسی ایران از زمان فتحعلی شاه شروع می‌شود که بر نحوه تفسیر نشان شیر و خورشید نیز تأثیر می‌گذارد. افسانه نجم‌آبادی می‌نویسد که از زمان فتحعلی شاه به تدریج جنبه مذهبی حکومت و شاهان ایران کمرنگ می‌شود و به دنبال آن تفسیر شیعی شیر و خورشید جایش را به تفسیری ملی گرایانه می‌دهد. نوشته‌های باز مانده از آن زمان از جمله شعری به قلم خود شاه ایران نشان می‌دهد که خورشید در آن زمان استعاره از شاه ایران است و اشاره به جمشید، شاه اسطوره‌ای ایران در شاهنامه فردوسی داشت. در این نوشتارهای برجامانده از آن زمان به شیر نیز استعاره‌ای برگرفته از اسطوره‌های شاهنامه نسبت داده‌اند. شیر در آن زمان اشاره به رستم داشت که شیر نشان او بود و نشانگر پهلوانان و دلاوران ایرانی داشت که آماده برای پاسداری از ایران بودند.<sup>[۲۲]</sup> شهبازی با نقل فرمانی از زمان محمد شاه نشان می‌دهد که چگونه در اثر مراودات ایرانیان با اروپاییان و آشنایی مجدد شاهان ایران با عظمت ایران باستان نشان شیر و خورشید تعبیری ملی گرایانه پیدا می‌کند. گویا محمدشاه در سال ۱۲۵۲ فرمانی رسمی صادر کرد که شکل و کارکرد انواع نشان‌های شیر و خورشید را تعیین و تعبیری ملی گرایانه از این نشان ارائه می‌دهد. برای نخستین بار از زمان محمدشاه قاجار است که در بسیاری از سکه‌ها و نشان‌ها تاجی بر بالای خورشید قرار داده شد.<sup>[۱]</sup>

## پس از انقلاب مشروطه

در پنجمین متمم قانون اساسی مشروطه نخستین قانون اساسی ایران (قانون اساسی مشروطه)، پرچم ایران به شکل شیر و خورشید بر روی سه رنگ سرخ و سفید و سبز تعیین شد. این قانون شکل نشان شیر و خورشید پرچم را ایستاده همراه با شمشیری در دست و خورشیدی در پس زمینه توصیف می‌کند.<sup>[۱۳]</sup> فرمانی به تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۱۰ توصیفی دقیق از این نشان شیر و خورشید ارائه می‌دهد. از جمله این فرمان دم شیر بصورت S ایتالیک تعیین می‌شود. همچنین موقعیت ر اندازه شیر و

پنجه او و شمشیرش را و خورشید را بدقت توصیف می‌کند [۲۳] نجم آبادی بر اساس یک پرده اوایل دوران رضا شاه یک تناظری بین شیر-خورشید و رضا شاه و مادر وطن مشاهده می‌نماید. محتویات این پرده نشان می‌دهد که همانگونه که خورشید توسط شیر محافظت می‌شود، رضا شاه به مانند قهرمانی است که باید از مام وطن محافظت نماید. [۲۴]

شاهان پهلوی نشان شیر و خورشید قاجار را می‌پذیرند، اما آنها تاج کیانی (تاج قاجارها) شیر و خورشید را با تاج پهلوی عوض می‌کنند. [۲۵] پهلوی‌ها تعبیر ایرانی شیر را دوباره رواج می‌دهند. شیر در ایران نشان سلطنت و همچنین سمبل رستم در شاهنامه فردوسی می‌باشد. [۲۶]

## پس از انقلاب اسلامی

نشان شیر و خورشید تا زمان انقلاب ۱۳۵۷ بعنوان نشان ملی ایران باقی ماند. در این زمان این نشان طبق حکمی از مکانهای عمومی و سازمانهای دولتی برچیده شد و با نشان فعلی جمهوری اسلامی جایگزین شد. [۲۷]

## پانویس

۱. ↑ ۱,۰ ۱,۱ ۱,۲ ۱,۳ ۱,۴ ۱,۵ ۱,۶ ۱,۷ ۱,۸ (2001 Shahbazi, A. Shapur "Flags". Encyclopedia Iranica
۲. ↑ ۲,۰ ۲,۱ ۲,۲ ۲,۳ ۲,۴ فؤاد کوپریلی. «تاریخچه پرچم در جهان اسلام». *دانشنامه بزرگ اسلامی*. [۱]
۳. ↑ ۳,۰ ۳,۱ ۳,۲ تاریخچه شیر و خورشید؛ نوشته: احمد کسروی. چاپ رشدیه (در تاریخ ۱۳۵۶). بازدید در تاریخ مهر ۱۳۸۷.
۴. ↑ Krappe
۵. ↑ Alexander H ,Krappe .."God The Anatolian Lion" *Journal of the American Oriental Society* .Vol . 1945. Jul. - Sep. ۶۵ (No. 3),
۶. ↑ ۶,۰ ۶,۱ ۶,۲ ۶,۳ ۶,۴ "H. Kindermann "A;-Asad Encyclopedia of Islam, Vol.1, p. 681
۷. ↑ Mamluk Baybars
۸. ↑ "Chapter II "Najmabadi, Afsaneh. *Gender and sexual anxieties of Iranian Modernity* .University of California Press, 2005 ,ISBN ۰۵۲۰۲۴۲۶۲۹.
۹. ↑ FUAD KOPRULU
۱۰. ↑

Flag of Iran. (2008). In Encyclopædia Britannica. Retrieved November 22, 2008, from Encyclopædia Britannica Online: [۲]

۱۱. ↑ ۶۹ Najmabadi (2005), Page
۱۲. ↑ ۱۲,۰ ۱۲,۱ ۱۲,۲ ۱۲,۳ "Shahbazi, A. Shapur. "Flags *Encyclopedia Iranica, Vol. 10* .۳۰۰۱
۱۳. ↑ تاریخچه تغییرات و تحولات رفش و علامت دولت ایران؛ نوشته: ذکاء یحیی. وبگاه رسمی مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی (در تاریخ ۱۳۴۴). بازدید در تاریخ خرداد ۱۳۸۷.
۱۴. ↑ ۹-۶۸ Najmabadi (2005), Pages
۱۵. ↑ ۶۹ Najmabadi (2005), Page
۱۶. ↑ ۱۶,۰ ۱۶,۱ ۱۶,۲ Arms and Armor from Iran: The (Khorasani, Manouchehr M. (2006 Germany: Verlag. Page 326 .Bronze Age to the End of the Qajar Period Retrieved on *Museum State Hermitage* ."Battle Between Persians and Russians" 2009-09-19
۱۸. ↑ "Imamification of sovereignty Iranization and"
۱۹. ↑ ۷۰ Najmabadi(2005), Page
۲۰. ↑ ۶۵ Najmabadi(2005), Page
۲۱. ↑ تاریخچه تغییرات و تحولات رفش و علامت دولت ایران؛ نوشته: ذکاء یحیی. وبگاه رسمی مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی (در تاریخ ۱۳۴۴). بازدید در تاریخ خرداد ۱۳۸۷.
۲۲. ↑ ۱-۷۰ Najmabadi(2005), page
۲۳. ↑ ۸۶ Najmabadi(2005), Page
۲۴. ↑ ۹۶-۸۸ Najmabadi(2005), Pages

۲۵. ↑ "Emblems of Qajar (Kadjar) Rulers: The Lion and the Sun" *Qajar(Kadjar) The* .Retrieved on 2009-10-10 .Pages
۲۶. ↑ Babayan, Kathryn *Mystics, monarchs, and messiahs: cultural landscapes of modern Iran early* .Harvard College, 2002 .ISBN ,۰۹۳۲۸۸۵۲۸۴ ,۴۹۱ .
۲۷. ↑ Najmabadi(2005), Pages ۸۷-۸۸

## منابع

ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد